




The University of Tehran Press

The Relationship between the Teachings of the Most Highly Qualified Publicists and Doctrine in International Law

Abdollah Abedini¹ 

1. Faculty Member of the Institution for Research and Development in the Humanities (SAMT), Tehran, Iran. Email: a.abedini@samt.ac.ir

Article Info	Abstract
<p>Article Type: Research Article</p> <hr/> <p>Pages: 1621-1643</p> <hr/> <p>Received: 2023/04/03</p> <p>Received in Revised form: 2023/07/25</p> <p>Accepted: 2023/09/10</p> <p>Published online: 2024/09/22</p> <hr/> <p>Keywords: <i>International Law Commission - legal culture - international law resources - the Hague Academy of International Law - International Law Institute.</i></p>	<p>When studying the texts of international law, we always come across terms such as the teachings of the most highly publicist of international law and doctrine; the terms that are mentioned especially in the international law resources section, looking at Article 38 of the Statute of the International Court of Justice, as the subsidiary means of determining the rules of international law. However, when we go through the authoritative textbooks, in the section of teachings and doctrines of international law, not much detail is seen by the most prominent writers of international law. In recent years, the International Law Commission has tried to focus on the issue of sources of international law, to deal in detail with the sources listed in Article 38 of the Statute of the Court, and the issue of doctrine under the title " subsidiary means of determining the rules of international law" is currently being studied by the Commission. The question addressed in this article is whether there is a difference between the doctrine and the teachings of the most highly publicist of international law? What are the criteria for determining the teachings of the most highly publicist of international law and doctrine in international law? It is assumed that there is a difference between these two terms in international law, and it seems that there are criteria to distinguish between these two concepts.</p>
<p>How To Cite</p>	<p>Abedini, Abdollah (2024). The Relationship between the Teachings of the Most Highly Qualified Publicists and Doctrine in International Law. <i>Public Law Studies Quarterly</i>, 54 (3), 1621-1643. DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2023.365044.3392</p>
<p>DOI</p>	<p>10.22059/JPLSQ.2023.365044.3392</p>
<p>Publisher</p>	<p>The University of Tehran Press. </p>



نسبت آموزه‌های برجسته‌ترین علمای حقوق بین‌الملل و دکترین در حقوق بین‌الملل*

عبدالله عابدینی[✉]

۱. عضو هیأت علمی پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت)، تهران، ایران. رایانامه: a.abedini@samt.ac.ir

چکیده	اطلاعات مقاله	
<p>هنگام مطالعه متون حقوق بین‌الملل، همواره با اصطلاحاتی چون آموزه‌های برجسته‌ترین علمای حقوق بین‌الملل و دکترین روبه‌رو می‌شویم؛ اصطلاحاتی که به‌ویژه در بخش منابع حقوق بین‌الملل با نگاهی به ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری به‌عنوان یکی از شیوه‌های فرعی تعیین قواعد حقوق بین‌الملل از آنها صحبت به میان آمده است. با این حال، زمانی که کتاب‌های درسی معتبر را تورق می‌کنیم، در بخش آموزه‌ها و دکترین‌های حقوق بین‌الملل، تفصیل چندانی از سوی برجسته‌ترین نویسندگان و علمای حقوق بین‌الملل به چشم نمی‌آید. کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال‌های اخیر سعی کرده با تمرکز بر موضوع منابع حقوق بین‌الملل، به تفصیل به منابع مندرج در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بپردازد و موضوع دکترین نیز ذیل عنوان «شیوه‌های فرعی تعیین قواعد حقوق بین‌الملل» در حال حاضر از سوی کمیسیون در حال مطالعه است. پرسشی که در این نوشتار به آن می‌پردازیم آن است که آیا تفاوتی میان دکترین و آموزه‌های برجسته‌ترین علمای حقوق بین‌الملل وجود دارد؟ معیارهای تعیین آموزه‌های برجسته‌ترین علمای حقوق بین‌الملل و دکترین در حقوق بین‌الملل کدام‌اند؟ مفروض آن است که تفاوتی میان این دو اصطلاح در حقوق بین‌الملل وجود دارد و به‌نظر می‌رسد که معیارهایی نیز برای تشخیص و تمایز این دو مفهوم نیز وجود داشته باشند.</p>	<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>صفحات: ۱۶۲۱-۱۶۴۳</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۴</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۵/۰۳</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۹</p> <p>تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱</p> <p>کلیدواژه‌ها: آکادمی حقوق بین‌الملل لاهه، انستیتو حقوق بین‌الملل، فرهنگ حقوقی، کمیسیون حقوق بین‌الملل، منابع حقوق بین‌الملل.</p>	
	<p>عابدینی، عبدالله (۱۴۰۳). نسبت آموزه‌های برجسته‌ترین علمای حقوق بین‌الملل و دکترین در حقوق بین‌الملل. <i>مطالعات حقوق عمومی</i>، ۵۴ (۳)، ۱۶۲۱-۱۶۴۳. DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2023.365044.3392</p>	استناد
	10.22059/JPLSQ.2023.365044.3392	DOI
		ناشر
	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.	

* جرقه اولیه مقاله حاضر در گفت‌وگو با استاد ارجمند حقوق بین‌الملل، دکتر جمشید ممتاز مطرح شد و به پاس قدردانی، به ایشان تقدیم می‌شود.

۱. مقدمه

«اگرچه مطالعات حقوقدانان می‌تواند اقناع‌کننده باشد، اما الزام‌آور نیست»، این جمله‌ای است که در پرونده «پاکت هابانا»^۱ در سال ۱۹۰۰ توسط دیوان عالی ایالات متحده در مقام توصیف جایگاه آموزه‌های حقوقدانان بیان شده و در آثار مختلفی که ذیل موضوع آموزه‌های حقوقی بین‌المللی بحث شده، به‌عنوان آغاز سخن آورده شده است.^۲ (Wood, 2017: 2; Sivakumaran, 2017: 3). در واقع، به‌رغم گذشت بیش از ۱۲۲ سال از این سخن، به‌نظر می‌رسد همچنان در مورد آموزه‌های حقوقدانان صدق می‌کند. توضیح اینکه در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری به‌عنوان بیان کلاسیک منابع حقوق بین‌الملل، به‌صراحت از عبارت «آموزه‌های برجسته‌ترین علمای حقوق بین‌الملل»^۳ در کنار رویه قضایی به‌عنوان ابزارهای فرعی حقوق بین‌الملل نام برده شده است که بر اساس آنها دیوان بین‌المللی دادگستری می‌تواند به حل و فصل اختلافات میان دولت‌ها بپردازد.^۴ هرچند برخی معتقدند این توصیف بیشتر از آنکه امروزه زبیده رویه قضایی باشد در مورد دکتترین کاملاً صدق می‌کند (Pellet & Müller, 2019: 961). ضمن اینکه برخی توجیه‌ها نیز در خصوص دلایل اهمیت دکتترین در آن روزگاران مطرح شده است. شایان توجه است که در آن زمان بیشتر نوشته‌ها به زبان فرانسوی یا انگلیسی بودند؛ تعداد نوشته‌ها، کتاب یا (متن) سخنرانی و تا حد اندکی مقالات مندرج در مجلات انگشت‌شمار بود، جامعه حقوقدانان کوچک بود و بیشتر آنها همدیگر را به‌خوبی می‌شناختند؛ تعداد صفحات منتشره در زمینه حقوق بین‌الملل به اندازه‌ای اندک بود که امکان انجام تحقیق و اشراف بر ادبیات موضوع دشوار نبود. همه این عوامل در دنیای امروز به شکل چشمگیری تغییر کرده‌اند (Thirlway, 2019: 143). شمار انتشار فراوان مجلات و کتاب‌ها و تحلیل‌های وبلاگی، تعداد فراوان حقوقدانان بین‌المللی و استفاده از زبان‌هایی غیر از فرانسوی و انگلیسی. همان‌گونه که بیشتر نویسندگان گفته‌اند، در سده نوزدهم میلادی،

1. The Paquete Habana, 175 U.S. 677 (1900), at: <https://supreme.justia.com/cases/federal/us/175/677/>

۲. جالب آنکه در این قضیه، دیوان عالی ایالات متحده برای اطمینان از ظهور قاعده مورد بحث، به آموزه‌های حقوقدانانی از کشورهای فرانسه، آرژانتین، آلمان، هلند، بریتانیا، اتریش، اسپانیا، پرتغال و ایتالیا رجوع کرده بود. رک: Damrosch, 2000: 317.

3. Teachings of the Most Highly Qualified Publicists

۴. شایان ذکر اینکه در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری که ۲۴ سال از عمر آن می‌گذرد، بر خلاف اساسنامه دیوان، به ترتب میان منابع قابل اعمال در دیوان به‌صراحت اشاره شده است. جالب‌تر اینکه هرچند در ماده ۲۱ سخنی از آموزه‌های حقوقدانان نیامده، اما در عمل دیوان مزبور از آموزه‌های حقوقدانان به‌عنوان منبع اصلی در تجزیه و تحلیل مباحثی چون گونه‌های مسئولیت کیفری استفاده کرده است. رک: Jain, 2020: 114.

همچنین در اساسنامه دیوان حقوق بین‌الملل دریاها نیز سخنی از آموزه‌ها به‌عنوان منبع حقوق نیامده و دیوان نیز تمایلی به استناد به آموزه‌های حقوقدانان در آرای خود نشان نداده است. هرچند این موضوع در نظر جداگانه قضات دیوان نمود دیگری پیدا کرده است. رک: Helmersen, 2020: 20-46.

به دلیل کمبود ملموس منابعی چون معاهدات و قواعد عرفی، نظرهای برجسته‌ترین علمای حقوق بین‌الملل عصر، در محور توجه دولت‌ها و سایر حقوقدانان قرار داشت. برخی حقوقدانان به‌درستی اشاره می‌کنند که به دلیل ابتدای نظرات نویسندگان دوره کلاسیک حقوق بین‌الملل بر حقوق طبیعی به جای رویه دولتی یا تصمیمات قضایی و به دلیل تفوق حقوق طبیعی در آن دوران، نوشته‌های این نویسندگان تجلی‌گاه حقوق طبیعی بود و هرچه نویسنده از جایگاه والاتری برخوردار بود، اعتماد بیشتری بر تعاریف و توصیف‌های ارائه‌شده از سوی وی در خصوص مختصات حقوق طبیعی جلب می‌شد (Thirlway, 2019: 132). اما از اوایل سده بیستم تا به امروز، کانون توجه از آموزه‌های برجسته‌ترین علمای حقوق بین‌الملل به سمت معاهدات و قواعد عرفی تغییر پیدا کرده است. دلیل اصلی این امر نحوه نگارش ماده ۳۸ اساسنامه دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در سال ۱۹۲۰ بود. دلیل دیگر، انعقاد رو به رشد موافقت‌نامه‌های دو یا چندجانبه بین‌المللی در موضوعات متنوع به‌واسطه گسترش روابط بین‌المللی و شکل‌گیری قواعد عرفی بین‌المللی در زمینه‌های مختلف بود.

بعدها با تأسیس کمیسیون حقوق بین‌الملل توسط مجمع عمومی سازمان مل متحد در سال ۱۹۴۷، پیش‌نویس معاهدات فراوانی طی چند دهه از سوی این کمیسیون برای تصویب به مجمع عمومی ارسال شد. اگرچه برخی اعتقاد دارند که می‌توان نهادی چون کمیسیون حقوق بین‌الملل را در قالب نهادهای با پشتوانه دولتی^۱ در زمینه نظرهای برجسته‌ترین علمای حقوق بین‌الملل توصیف کرد، اما هنوز در برخی جنبه‌های حقوق بین‌الملل موضوعاتی چون مسئولیت کیفری اشخاص وجود دارند که به اندازه کافی قاعده‌مند نشده‌اند و از این حیث، یکی از منابع الهام محاکم بین‌المللی کیفری، آموزه‌های حقوقدانان بوده است^۲ (Jain, 2020: 122-123). با این وصف، برخی حقوقدانان اهمیت کلی آموزه‌ها در حقوق بین‌الملل را نه به مثابه راهنما یا منبعی در مجموعه حقوق بلکه به‌عنوان وسیله‌ای مفید در مقام اطلاعاتی پیرامون حقوق قلمداد می‌کنند. از نظر این دسته، تلقی آموزه در ماده ۳۸ به‌عنوان «ابزار» و تلقی این ابزار به‌عنوان «فرعی» نشان‌دهنده آن است که آموزه وسیله و ابزاری برای حقوق است و نه خود حقوق و این

۱. در واقع، منظور از این نوع نهادها آن است که دولت‌ها آن را تأسیس، بودجه آن را تأمین می‌کنند و دستور کار و تأیید نهایی برون‌دادهای آن را انجام می‌دهند، مانند کمیسیون حقوق بین‌الملل.

۲. برای نمونه می‌توان به رویه دیوان بین‌المللی کیفری در تعیین نوع مخاصمه مسلحانه در زمان تحت کنترل بودن یک گروه غیردولتی توسط یک دولت و توسل به زور توسط گروه مزبور علیه کشور همسایه اشاره کرد که به مقالات نویسندگان

مرتبط در این خصوص ارجاع داده شده است. ر.ک: Prosecutor v. Thomas Lubanga Dyilo, 2012:541.

همچنین در رویه شعب فوق‌العاده کامبوج به کتاب کامنتری کنوانسیون دوم ژنو ۱۹۴۹ و همین‌طور، کار کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در مورد حقوق بین‌الملل عرفی بشردوستانه توجه شده است. ر.ک: The Prosecutor Kaing

Guek Eav alias Duch, 2010: 405

ابزار فرعی حقوقدانان را ملزم به استناد بدان نمی‌کند (Papaux & Wyler, 2017: 521). با وجود این، آموزه‌ها در مقام اطلاعاتی پیرامون حقوق مقدم بر منابع اصلی حقوق هستند، زیرا برای وصول به حقوق باید اطلاعاتی درباره آن وجود داشته باشد و اینکه منابع اصلی همواره گویای همه چیز در حقوق نیستند (Papaux & Wyler, 2017: 522). در واقع، جدای از امکان تعیین قواعد اصلی حقوق بین‌الملل، فهم معاهده، عرف و اصول کلی بدون مراجعه به آموزه‌ها امکان‌پذیر نیست (Papaux & Wyler, 2017: 523). این نکته در کارهای مقدماتی تدوین اساسنامه نیز قابل مشاهده است (Procès-verbaux of the proceedings of the Committee, 1920, 336).

اما اینکه آیا آموزه‌های علمای برجسته حقوق بین‌الملل همان دکتترین است، موضوعی شایان تأمل است. پرسش‌های فرعی دیگری نیز در این خصوص قابل طرح است: عالم برجسته حقوق بین‌الملل چه ویژگی‌هایی دارد؟ آموزه‌های عالم برجسته حقوق بین‌الملل باید از چه ویژگی برخوردار باشد؟ به نظر می‌رسد با توجه به ماهیت دکتترین بتوان تفکیکی میان آموزه‌های موردنظر در ماده ۳۸ اساسنامه و دکتترین در معنای کلی آن در حقوق بین‌الملل قائل شد. یکی از ثمرات این تفکیک می‌تواند آن باشد که ابزارهای شناسایی عالم برجسته حقوق بین‌الملل و نسبت آن با دکتترین مشخص می‌شود و بر این اساس اهمیت حضور حقوقدانان ایرانی در عرصه بین‌المللی به‌خصوص در نهادهایی چون انستیتو حقوق بین‌الملل و آکادمی حقوق بین‌الملل لاهه بر مبنای معیارهای مزبور تبیین می‌شود.

۲. رویکرد کمیسیون حقوق بین‌الملل به مفهوم آموزه‌های علمای برجسته حقوق بین‌الملل

پیش از ورود به بحث، لازم است تا مفهوم واژگان مشابه «آموزه‌های برجسته‌ترین علمای حقوق بین‌الملل» و نسبت آنها با این اصطلاح مشخص شود. با نگاهی به تاریخچه تصویب ماده ۳۸ اساسنامه و نوشته‌های نویسندگان در این خصوص، معلوم می‌شود که تفاوت خاصی میان واژگان مشابه از جمله «نویسندگان»^۱، «علماء»^۲، «حقوقدانان»^۳ و «صاحبان قلم»^۴ وجود نداشته و ندارد. با این حال، به نظر می‌رسد که می‌توان تفکیکی را میان دو اصطلاح «آموزه‌های برجسته‌ترین علمای حقوق بین‌الملل» و «دکتترین» در این خصوص در نظر گرفت. اصطلاح نخست و واژگان مشابه با آن شامل آموزه‌های نویسندگانی می‌شود که به واسطه شهرت، سبک و نوع نگارش، نفوذ اثر یا آثارشان در میان حقوقدانان و سایر اعضای جامعه بین‌المللی به‌عنوان نویسندگان تراز اول حقوق بین‌الملل شناخته می‌شوند؛ درحالی‌که «دکتترین»^۵ به

1. Writers
2. Publicists
3. Jurists
4. Authors
5. Doctrine

جنبه‌های ماهوی خاصی از حقوق بین‌الملل مانند قواعد توسل به زور یا نقش تحریم‌ها در اجرای معاهدات تجاری می‌پردازد. در این معنا، «دکترین» در حقوق بین‌الملل با «تئوری» در حقوق بین‌الملل ارتباط وثیقی پیدا می‌کند؛ به این معنا که برای تفسیر و تبیین جایگاه هنجاری قاعده یا قواعد خاصی در مجموعه حقوق بین‌الملل، باید به دیدگاه‌های تئوریک راجع به هدف تفسیر و انواع مختلف هنجارهایی نظر داشت که برای تفسیر در یک سیستم مدنظر قرار می‌گیرند (Koskenniemi, 2007: 1).^۱

نکته جالب توجه اینکه همپای با کم‌اهمیت شدن نظرهای برجسته‌ترین علمای حقوق بین‌الملل به‌عنوان منبع حقوق بین‌الملل در اوایل سده بیستم، دکترین‌های حقوقی بین‌المللی از اواسط سده بیستم به نسبت تئوری‌ها و نظریه‌های حقوقی افزایش پیدا کردند، به‌نحوی که بسیاری از پرسش‌های غایت‌شناسانه جای خود را به طرح مباحثی در حوزه‌های قواعد و رویه‌های فنی مربوط به دولت‌ها دادند (Koskenniemi, 2007: 4).^۲ شایان ذکر اینکه در فضای امروزی حقوق بین‌الملل، حقوقدانان اروپایی بیشتر به دنبال تحقیق و بررسی نیروی هنجارها در حقوق بین‌الملل بر مبنای بررسی و توضیح ساختار قواعد هستند، درحالی‌که حقوقدانان آمریکایی و کشورهای در حال توسعه بیشتر بر مسائل مربوط به دامنه هنجارها و مدیریت نهادهای حقوقی بین‌المللی متمرکزند (Koskenniemi, 2007: 28). برای مثال کارلوس کالوو در ۱۸۶۳ در کتاب حقوق بین‌الملل خود برای صیانت هرچه بیشتر از استقلال تازه به‌دست‌آمده آرژانتین از استعمار اسپانیا اعلام کرد، بیگانگان در یک سرزمین نمی‌توانند از حقوقی برخوردار شوند که اتباع آن سرزمین از آن بهره‌مند نیستند. از این‌رو بیگانگان نمی‌توانند برای جبران خسارت وارده به خویش به دولت متبوعشان مراجعه کرده و از آنها درخواست حمایت دیپلماتیک کنند. یکی از نمونه‌های اخیر دکترین‌های حقوقی که تا حدود بسیاری ایران نیز قربانی آن بوده است، قانونی دانستن مفهوم «کشتن هدفمند» است. این تئوری که نخستین بار توسط برخی نویسندگان آمریکایی در اوایل جنگ سرد برای کشتن هدفمند برخی رهبران سیاسی مطرح شده بود، واکنش منفی قوه مقننه و مجریه این کشور را در آن ایام به‌همراه داشت (Nils, 2009: 45-46). این در حالی است که در دو دهه اخیر ایالات متحده در رویکردی فعال، نسبت به این تئوری اقبال نشان داده و برای رسیدن به اهداف

۲. همچنین، ر.ک: رنجبریان و کمالی‌نژاد، ۱۳۹۲: ۳۷-۵۶. در این نوشتار به نقل از دیدگاه سایر نویسندگان، به دو مفهوم مضیق و موسع از آموزه اشاره شده است: قاعده یا عقیده حقوقی که به‌طور گسترده مورد پذیرش باشد (مفهوم مضیق) و گونه‌ای از خردمندی برای ترویج سازگاری در استفاده از یک مفهوم حقوق خاص که معمولاً به زمینه خاصی از دانش حقوق محدود می‌شود (معنای موسع). (رنجبریان و کمالی‌نژاد، ۱۳۹۲: ۳۸).

۳. بر همین اساس، برخی معتقدند در ایالات متحده حقوقدانان بین‌المللی اغلب از کار در وزارت خارجه آغاز می‌کنند، سپس وارد دنیای آکادمیک می‌شوند تا در آنجا تدبیر عملی را در کنار مباحث نظری بیاموزند. اما در سنت اروپایی، حقوقدانان کاملاً برعکس این رویه عمل می‌کنند. ر.ک: (Simma, 2000: 319).

خود در قالب کشتن هدفمند مقامات دولتی و غیردولتی از هیچ توجیهی فروگذار نمی‌کند. بر اساس این دکترین، در صورتی که فرد مورد نظر در میدان جنگ حضور نداشته باشد و امکان مقابله با وی در میدان نبرد میسر نباشد، می‌توان وی را خارج از میدان نبرد و در هر جایی که اقتضا کند، هدف قرار داد، به شرطی که آسیبی به دیگر افراد نرسد یا کمترین آسیب ممکن به افراد و اموال دیگران وارد آید. (مکرمی و رنجبریان، ۱۳۹۶: ۳۱۶). رویکرد ایالات متحده در کشتن اسامه بن لادن و ابوبکر بغدادی در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۹ به همین ترتیب بوده است.

نکته جالب توجه اینکه نگارش و چینش منابع در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان نیز به تعبیر برخی حقوقدانان، برگرفته از نوعی آموزه حقوقدانان کمیته نگارش اساسنامه بوده است (Papaux & Wyler, 2017: 520). پرسشی که در سطور پیش رو در صدد پاسخ دادن به آن هستیم، شناسایی آموزه‌های علمای حقوق بین‌الملل نیست زیرا این آموزه‌ها در قالب‌های مختلفی از جمله نگارش کتاب، مقاله و یادداشت تحلیلی کوتاه و مراجعه به یک تارنمای علمی قابل دسترسی‌اند. از این رو در ادامه به بررسی معیارهای لازم برای یک حقوقدان بین‌المللی برای قرار گرفتن در دایره توصیفی «نوشته‌های برجسته‌ترین علمای حقوق بین‌الملل» و همچنین «دکترین» می‌پردازیم. بررسی این موضوع راه را برای شناخت این دو مفهوم مهم و دریافتن کاستی‌های موجود در کشور برای آماده‌سازی و معرفی حقوقدانان ایرانی به‌عنوان علمای برجسته حقوق بین‌الملل و دکترین می‌گشاید. از این رو، در این نوشتار به جایگاه آموزه‌های برجسته‌ترین علمای حقوق بین‌الملل پرداخته نمی‌شود زیرا در این خصوص به تفصیل سخن گفته شده است (رنجبریان و کمالی‌نژاد، ۱۳۹۲: ۴۰-۴۴).^۱ کوتاه سخن آنکه هنوز تولید ایده‌های کارآمد و اولیه در حقوق، شرح و تفسیر قوانین و مقررات و آرای محاکم مختلف در نقطه‌ای قرار دارد که آموزه‌های

۱. اگرچه با نگاهی به کتاب‌های مرجع حقوق بین‌الملل که برای تدریس در دانشگاه‌ها استفاده می‌شود، بحث مفصلی در مورد اهمیت آموزه‌ها دیده نمی‌شود و بیشتر حقوقدانان، آموزه‌ها را در پایین‌ترین درجه اهمیت در میان منابع حقوق بین‌الملل دسته‌بندی می‌کنند. برای مثال گفته شده که آموزه‌های حقوقدانان تا جایی مدنظر قرار می‌گیرد که به سه منبع اصلی معاهده، عرف و اصول کلی ارجاع داده باشد. ر.ک: Thirlway, 2019: 144. همچنین در مورد کتاب‌های درسی، ر.ک: ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۸: ۱۳۵-۸۴-۸۳; Shaw, 2017: 42-43; Crawford, 2012. برخی نیز دیدگاه نویسندگان پیش‌نویس دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری را دارند مبنی بر این که حقوقدانان توانایی رمزگشایی از قواعد بین‌المللی را دارند. ر.ک: Stephens, 2000: 318.

برخی دیگر نیز در توجیه اهمیت آموزه‌ها معتقدند اگر بپذیریم که بنیان حقوق بین‌الملل مبتنی بر رضایت دولت‌هاست، منبع این رضایت را باید در اعمال، گفتار و اسناد دولت‌ها جستجو کرد و این یعنی توجه به رفتار تاریخی یک دولت. درک صحیح از رفتار تاریخی یک دولت را می‌توان با مراجعه به آثار معتبر مکتوب دریافت که این امر نیز به نوبه خود نیازمند توجه به آرشیو محاکم و نظرهای حقوقدان است. از نظر وی این آرشیو منبع اصلی رضایت یک دولت به پذیرش تعهد و در مجموع، شکل‌گیری کمی و کیفی عنصر رضایت در عرصه بین‌المللی است. ر.ک: Maier, 2000: 319.

حقوقدانان بین‌المللی در آن جایگاه رفیعی دارند؛ به‌ویژه اینکه به دلیل خاصیت ساختار حقوق بین‌الملل (نبود قوای قانونگذاری، اجرایی و قضایی)، حقوقدانان بین‌المللی در قیاس با حقوقدانان داخلی از اهمیت دوچندانی برای نظام حقوقی که در آن فعالیت می‌کنند، برخوردارند.

با عنایت به رویکرد اخیر کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد منابع حقوق بین‌الملل مندرج در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، پس از مطالعه قواعد عرفی که در سال ۲۰۱۲ آغاز و در ۲۰۱۸ به اتمام رسید، در سال‌های اخیر مطالعه موضوعات اصول کلی حقوق (از سال ۲۰۱۸) و ابزارهای فرعی تعیین قواعد حقوق بین‌الملل (از سال ۲۰۲۲) نیز در دستور کار این نهاد قرار گرفته است. موضوع مطالعه ابزارهای فرعی تعیین قواعد حقوق بین‌الملل برای نخستین بار در سال ۲۰۲۱ در کمیسیون مطرح شد و در سال بعد، به‌طور رسمی در برنامه مطالعاتی کمیسیون قرار گرفت. آقای چارلز جالو نیز به‌عنوان گزارشگر ویژه این طرح تعیین شد. در ۱۳ فوریه ۲۰۲۳ نیز وی نخستین گزارش خود را در ۱۲۹ صفحه به کمیسیون ارائه کرد و پنج پیش‌نویس در رابطه با این طرح به تأیید اعضای کمیسیون رسید. به‌طور مشخص، آنچه از این گزارش برای نوشتار حاضر قابل استفاده است، تعریف آموزه‌های برجسته‌ترین علمای حقوق بین‌الملل است که به‌عنوان یکی از ابزارهای فرعی در قسمت «د» بند ۱ ماده ۳۸ اساسنامه بدان تصریح شده است. در بندهای ۳۰۳ تا ۳۲۸ این گزارش به‌طور خاص به معنای این اصطلاح پرداخته شده است.

جدای از نکاتی که گزارشگر در خصوص آموزه‌ها بدان اشاره کرده و مضمون موضوع نوشتار حاضر نمی‌شود^۱، وی در بیان تعریف آموزه‌ها به دیدگاه پژوهشگری نوژی اشاره دارد که رساله دکتری خود را در مورد مفهوم آموزه و بررسی آماری نحوه استناد به آموزه‌ها در برخی محاکم بین‌المللی نگاشته است.^۲ گزارشگر دیدگاه نویسنده مزبور را چنین نقل می‌کند: «تعریف [آموزه‌ها] در ذات خود روشن است: کتب دانشگاهی و مقالات مجلاتی که از سوی دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی یا محاکم و دیوان‌ها تولید

۱. شایان ذکر این که دولت ایران در کنار دولت‌هایی مانند هلند و اتریش روی چندان خوشی به انجام این مطالعه از سوی کمیسیون نشان نداده است. نماینده دولت ایران در کمیته ششم مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۰ دسامبر ۲۰۲۱ ضمن استقبال از کلیت انجام این مطالعه توسط کمیسیون چنین اظهار کرد: کمیسیون باید محدودیت‌های مربوط به ابزارهای فرعی به‌خصوص ماده ۵۹ اساسنامه (اصل نسبی بودن احکام دیوان برای طرفین) را مدنظر قرار دهد و این محدودیت باید به رویه قضایی و آموزه‌های برجسته‌ترین علمای حقوق بین‌الملل تسری یابد و نباید منابع دیگری به عنوان ابزار فرعی در دستور کار مطالعاتی کمیسیون قرار گیرند. نماینده دولت ایران با تأکید خاص بر وضعیت آموزه‌ها در حقوق بین‌الملل این تردید را مطرح کرده که آیا رویه دولت‌ها اجازه توسعه تدریجی در مورد دکترین را مدنظر قرار داده است و به دلیل همین تردید، معلوم نیست که انجام مطالعه در خصوص دکترین امری دقیق و امکان‌پذیر برای توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل محسوب شود. ر.ک: A/C.6/76/SR.16, 2021: 66.

2. See, Helmersen, S., *The Application of Teachings by the International Court of Justice*, Cambridge University Press, 2021.

نمی‌شوند و برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های حقوقی استفاده می‌شوند» (ILC, First Report of Jalloh, 2023: 306) به همین دلیل وی نیز با تأیید بدیهی بودن تعریف آموزه‌ها به سراغ قلمرو آموزه‌ها می‌رود. از نظر وی، قلمرو آموزه‌ها هر مطلب دانشگاهی است که می‌تواند به صورت مکتوب و غیرمکتوب، حتی در قالب‌های شنیداری و دیداری و متناسب با توسعه فناوری قابل تولید و عرضه باشد (ILC, First Report of Jalloh, 2023: 307) وی در ادامه، آموزه‌ها را در سه شکل و کاربرد دسته‌بندی می‌کند: آموزه‌های تفسیری، آموزه‌های اقناع‌آور و آموزه‌های تدوینگر. آموزه‌های تفسیری آن دسته از آموزه‌هاست که نقش کلیدی در تفسیر قواعد حقوق بین‌الملل بازی می‌کند (ILC, First Report of Jalloh, 2023: 308) آموزه‌های اقناع‌آور موجب اثرگذاری بر رفتار دولت‌ها می‌شوند و به طور غیرمستقیم در گذر زمان به جرح و تعدیل قواعد کمک می‌کنند. (ILC, First Report of Jalloh, 2023: 309) آموزه‌های تدوینگر نیز به معنای ارائه طریقی جهت تدوین یا توسعه تدریجی حقوق یا حمایت از اصلاحات در قواعد است حتی پیش از اینکه دولت‌ها یا سایر بازیگران بین‌المللی مایل به انجام اصلاحاتی در قواعد بین‌المللی باشند (ILC, First Report of Jalloh, 2023: 310).

در مجموع، گزارشگر معتقد است که به‌رغم برشمردن نقش‌های مهمی که آموزه‌ها ایفا می‌کنند، در نهایت، این ابزارهای فرعی نقش غیرمستقیمی در تعیین قواعد حقوق بین‌الملل دارند و در این مسیر، زیرمجموعه قواعد اصلی یعنی معاهده، عرف و اصول کلی حقوق قرار دارند، زیرا رویکرد دولت‌ها و رویه محاکم داخلی و بین‌المللی این نوع نگاه را تأیید می‌کند (ILC, First Report of Jalloh, 2023: 316).

در بخش دیگری از این گزارش، وی معتقد است عالم حقوق بین‌الملل موردنظر در قسمت «د» بند ۱ ماده ۳۸ اساسنامه، باید در زمره برجسته‌ترین علمای حقوق بین‌الملل باشد. وی به تاسی از معنای عادی اصطلاح عالم حقوق بین‌الملل در فرهنگ واژگان و همچنین، رویکرد گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد شناسایی قواعد عرفی حقوق بین‌الملل در سال ۲۰۱۸، معتقد است عالم برجسته شامل تمام نویسندگانی است که می‌توانند پرسش‌های حقوق بین‌الملل را تشریح کنند (ILC, First Report of Jalloh, 2023: 324) از نظر آقای جالو، گزارشگر ویژه طرح روش‌های فرعی تعیین قواعد حقوق بین‌الملل، متخصص بودن در زمینه حقوق بین‌الملل شرط لازم برای قرار گرفتن ذیل وصف برجسته‌ترین عالم حقوق بین‌الملل است. شرط کافی برای قرار گرفتن ذیل این توصیف، برجسته بودن متخصص حقوق بین‌الملل در زمینه تخصصی ذی‌ربط (مانند حقوق دریاها و حقوق بین‌الملل بشر) است. به عبارت صحیح‌تر، کیفیت نوشته یک حقوقدان بین‌المللی مهم‌تر از شهرت وی است (ILC, First Report of Jalloh, 2023: 325).

۳. عالم برجسته حقوق بین‌الملل

هرچند کمیسیون حقوق بین‌الملل با در دستور کار قرار دادن طرح ابزارهای فرعی برای تعیین قواعد حقوق بین‌الملل به موضوع آموزه‌های علمای برجسته حقوق بین‌الملل پرداخته است؛ اما همان‌گونه که مشاهده شد، معیارهای کلی برای تعیین آموزه و عالم برجسته حقوق بین‌الملل ارائه کرده و گزارشگر سعی کرده است برای داشتن نگاهی جزئی‌تر به موضوع، با ارائه چند معیار جهت تعیین وزن و اهمیت ابزار فرعی از جمله دکترین نسبت به ارائه معیارهایی برای ارزیابی این ابزارها مبادرت ورزد. پیش‌نویس ماده ۳ طرح مطالعاتی مزبور این معیارها را به‌طور حصری ذکر می‌کند: درجه نمایندگی؛ کیفیت استدلال؛ تخصص در حوزه مربوطه؛ سطح توافق میان اشخاصی که در خصوص آن موضوع دست‌اندرکارند؛ پذیرش ابزار فرعی مزبور از سوی دولت‌ها و سایر موجودیت‌ها؛ و مأموریت نهاد ذی‌ربط، در مواردی که قابل اعمال باشد (1: ILC, A.CN.4/L.985, 2023). به نظر می‌رسد که معیارهای معرفی شده شایان توجه باشند. با این حال، در ادامه تلاش می‌شود تا معیارهای دیگری برای تعیین دقیق‌تر آموزه، عالم برجسته و نسبت آن با دکترین ارائه شود.

همان‌گونه که گفته شد، تعیین معیار(هایی) دقیق و معین برای تعیین علمای برجسته حقوق بین‌الملل امری دشوار است (Helmensen, 2019: 512)، با وجود این بررسی نوشتارهای مرتبط در این زمینه، می‌تواند چند معیار را برای تعیین یک حقوقدان بین‌المللی به‌عنوان عالم برجسته حقوق بین‌الملل مشخص کند. همان‌گونه که در مقدمه بیان شد، علمای برجسته حقوق بین‌الملل شامل نویسندگانی است که به دلیل داشتن شهرت، سبک و نحوه نگارش، نفوذ اثر یا آثارشان در میان حقوقدانان و سایر اعضای جامعه بین‌المللی به‌عنوان علمای برجسته حقوق بین‌الملل شناخته می‌شوند. برخی دیگر از نویسندگان معیارهای زیر را در نظر گرفته‌اند: رساله دکتری شخص (نظر شبتای روزن^۱)؛ ارزش علمی ممتاز اثر، رعایت بی‌طرفی و نقد رویه دولت‌ها با ارجاع به اصول حقوقی (نظر منون^۲)، مدت زمان فعالیت، مقام علمی، عضویت در مجامع نامی حقوق بین‌الملل، جامع‌نگری و قدرت اقتناعی آثار (رنجبریان و کمالی‌نژاد، ۱۳۹۲: ۴۰). همچنین برخی دیگر از نویسندگان معتقدند که آموزه‌های دکترین را باید در دسته‌بندی‌های مختلفی ملاحظه کرد، از جمله موجودیت‌هایی که از سوی دولت‌ها مأموریت دارند تا به تولید آموزه پردازند، مانند کمیسیون حقوق بین‌الملل، گروه‌های متشکل از متخصصان حقوق بین‌الملل مانند انستیتوی حقوق بین‌الملل و انجمن حقوق بین‌الملل و نویسندگان انفرادی (Sivakumaran, 2017). (4) این دسته از نویسندگان، گروه مربوط به نویسندگان انفرادی را شامل مجموعه‌هایی چون خلاصه رویه

1. Shabtai Rosenne

2. P.K Menon

دولت‌ها،^۱ رساله‌ها و کتاب‌های درسی حقوق بین‌الملل^۲، تکنگاری درباره یک موضوع خاص و مجموعه‌های ویرایش‌شده مقالات^۳، کتاب‌های شرح و تفسیر^۴ و مقالات مندرج در مجلات علمی و تحلیل‌های علمی ارائه‌شده در وبلاگ‌ها می‌دانند (Sivakumaran, 2017: 15-23).

از نظر کمیسیون حقوق بین‌الملل در طرح «شناسایی حقوق بین‌الملل عرفی» که از سال ۲۰۱۲ کار بر روی آن آغاز شد و در سال ۲۰۱۸ خاتمه یافت، آموزه‌های برجسته‌ترین علمای حقوق بین‌الملل ملل مختلف، می‌تواند به‌عنوان ابزار فرعی تعیین قواعد حقوق بین‌الملل عرفی تلقی شود (Draft Conclusions on Identification of Customary International Law with Commentaries, 2018: 150). از نظر این مطالعه، عالم یا اندیشمند حقوق بین‌الملل به کسانی گفته می‌شود که مسائل حقوق بین‌الملل را شرح و تفسیر می‌کنند و در زمینه حقوق بین‌الملل افراد شناخته‌شده‌ای قلمداد می‌شوند. ارائه سخنرانی و فایل‌های صوتی و تصویری نیز در عداد اشکال ارائه دکترین قرار می‌گیرد. جمع‌آوری و ارزیابی رویه دولتی، ارائه راهنمایی‌هایی برای تعیین وجود و محتوای قاعده عرفی، شناسایی نقاط متضاد رویه دولتی، وجود یا فقدان قواعد عرفی و در نهایت، ارزیابی حقوق موجود از جمله کارکردهای دکترین در احراز قواعد عرفی است. با این حال، نوشته‌های حقوقدانان عمدتاً معطوف به حقوق آرمانی است تا حقوق موجود و بیشتر منعکس‌کننده دیدگاه مقامات ملی خودشان است. ضمن اینکه از نظر کیفیت نیز بسیار متفاوت با یکدیگرند. همچنین کمیسیون آورده‌های نهادهای تحقیقاتی غیردولتی را نیز مهم ارزیابی می‌کند و معتقد است در مورد این آورده‌ها باید به عوامل زیر توجه کرد: مأموریت و تخصص نهاد ذی‌ربط؛ ارتباط ماحصل مطالعات این نهادها با حقوق موجود؛ توجه و هدفی که نهاد ذی‌ربط در یک موضوع خاص دارد؛ میزان جلب توجه دولت‌ها و دیگر تابعان حقوق بین‌الملل به آورده‌های علمی این نهادها (Draft Conclusions on Identification of Customary International Law with Commentaries, 2018: 151).

در تحقیق انجام‌شده روی نحوه استناد به آموزه‌های حقوقدانان بین‌المللی در نظرهای جداگانه قضات دیوان بین‌المللی دادگستری، به چند معیار توجه شده است: کیفیت اثر مورد استناد، تخصص نویسنده، مقام رسمی نویسنده و اتفاق نظر میان نویسندگان متعدد (Helmensen, 2019: 513). در این تحقیق که به‌صورت آماری انجام گرفته، نشان داده شده که دو معیار کیفیت اثر و تخصص نویسنده مورد استناد از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است (Helmensen, 2019: 514). با این حال، به‌نظر می‌رسد که معیارهای مورد استفاده قضات دیوان برای استناد به آموزه‌های حقوقدانان صرفاً از چشم‌انداز یک دادگاه

1. Digests
2. Treatises and Textbooks
3. Monographs and Edited Collections
4. Commentaries

می‌تواند تجزیه و تحلیل شود و نمی‌توان در عرصه عمومی حقوق بین‌الملل، آثار و اشخاص ذی‌ربط را لزوماً با این ملاک‌ها تعیین کرد. برای مثال از نظر تحقیق مورد بحث، قضات تمایل دارند به آثاری که حقوق موجود را مورد توجه قرار داده نظر داشته باشند تا آثاری که به حقوق مطلوب پرداخته‌اند، زیرا آنها به‌عنوان دادرس باید در پی جست‌وجوی حقوق قابل اعمال موجود باشند (Helmersen, 2019: 520). از این‌رو ممکن است یک دادرس تحت تأثیر نوشته‌های حقوقدانی قرار داشته باشد که به حقوق آرمانی پرداخته‌اند و به همین دلیل امکان استناد به آن را در نظر جداگانه خویش نداشته باشد. درحالی‌که در مقالات و کتاب‌های دادرس مزبور ممکن است استناد بسیاری به نویسنده مورد علاقه‌اش وجود داشته باشد. با این حال، ممکن است تعداد زیادی از دولت‌ها با انتخاب برخی قضات خاص مانند قاضی «آنتونیو کانسادو ترینداد»^۱ دیدگاه‌های پیشرو در حوزه حقوق مطلوب را پسندیده باشند. ضمن اینکه لزوماً بی‌توجهی دیوان حقوق بین‌الملل دریاها به استناد به آموزه‌ها به معنای کم‌ارزش بودن آنها نیست و این امر ممکن است ناشی از محدودیت‌های مندرج در حقوق قابل اعمال در اساسنامه یک دادگاه یا فرهنگ حقوقی حاکم بر قضات آن دادگاه باشد (Helmerson, 2020: 24). مفسران ماده ۳۸ اساسنامه دلیل اقبال اندک دیوان به آموزه‌های حقوقدانان را عدم بی‌طرفی نویسندگان در مطالب و تحلیل‌هایشان عنوان کرده‌اند. از نظر ایشان، تحلیل‌های حقوقدانان ممکن است مبتنی بر یک فضای انتزاعی باشد و به این ترتیب، اثر مفیدی برای فرایند دادرسی نداشته باشد. ضمن اینکه دنیای کوچک حقوق بین‌الملل مصون از تنگ‌نظری و حسادت نیست و دیوان نیز آنقدر هوشیار است که سیگنال خوب یا بد این‌چنینی را منتقل نکند (Pellet & Müller, 2019: 961).

بنابراین، اگر در مجموع قصد داشته باشیم معیارهایی را برای توصیف «برجسته‌ترین حقوقدانان بین‌المللی» در نظر بگیریم، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: تخصص نویسنده، کیفیت اثر یا آثار نویسنده و اتفاق نظر میان نویسندگان متعدد.

تخصص نویسنده بدین معناست که نویسنده به دلیل تخصص در حقوق بین‌الملل عمومی به‌طور کلی یا در یک حوزه یا حوزه‌های خاصی از حقوق بین‌الملل توانسته است، گستره و عمق دانش خود را با ارائه تحلیل‌های قابل توجه به اثبات برساند. برای مثال انتخاب یک کتاب برای تدریس در دانشگاه‌های یک یا چند کشور نشان از آن دارد که جامعه حقوقی بین‌المللی کشور ذی‌ربط تخصص نویسنده را در حدی دانسته است که به‌صورت جمعی و خودجوش، متن کتاب مزبور را در گذر سال‌ها به‌عنوان منبع درسی معرفی و تدریس کند. برای مثال در ایران، کتاب حقوق بین‌الملل عمومی دکتر محمدرضا ضیایی بیگدلی با رسیدن به بیش از ۶۰ چاپ در بیش از ۴۰ سال به‌عنوان منبع تدریس در دانشکده‌های حقوق در ایران، نشان از وجود ویژگی تخصص در نویسنده کتاب دارد.

کیفیت اثر یا آثار نویسنده متخصص در حوزه عمومی حقوق بین‌الملل یا یک یا چند حوزه خاص حقوق بین‌الملل نیز با معیارهایی چون میزان انتشار کتاب یا استناد به مقاله موردنظر از سوی جامعه حقوقی بین‌المللی قابل سنجش و ارزیابی است. معیار اتفاق نظر میان حقوقدانان نیز به‌عنوان یک معیار قابل اطمینان بیانگر آن است که جامعه مخاطب یک اثر هیچ‌گاه در گذر سالیان متمادی نسبت به قابلیت استناد به یک اثر دچار اشتباه نمی‌شود، به‌خصوص اینکه در اثر گذر زمان، استدلال‌ها و بینش نویسنده ذی‌ربط همچنان راهگشا بوده و تازگی داشته باشد.

۴. دکترین

همان‌گونه که پیشتر گفته شد دکترین یا آموزه به معنای بررسی بخش ماهوی خاصی از حقوق بین‌الملل است که به‌طور معمول توسط عالمان برجسته حقوق بین‌الملل انجام می‌شود. در واقع، زمینه تبدیل شدن یک نگاه یا دیدگاه در حوزه خاصی از حقوق بین‌الملل، برجسته بودن ارائه‌کننده دکترین ذی‌ربط در عرصه حقوق بین‌الملل است. از این حیث، ارائه‌کننده دکترین باید لوازم توصیف به‌کاررفته در اصطلاح «عالم برجسته حقوق بین‌الملل» را دارا باشد: تخصص، کیفیت اثر و اتفاق نظر میان حقوقدانان پیرامون تخصص و کیفیت اثر نویسنده موردنظر. با این حال چه‌بسا یک حقوقدان بین‌المللی بتواند در عرصه جامعه هدف خود به‌عنوان یک عالم برجسته حقوق بین‌الملل شناخته شود، اما لزوماً در عرصه ارائه دکترین، از این‌گونه شناسایی برخوردار نباشد. به‌عبارت بهتر، ممکن است عالم برجسته حقوق به‌رغم داشتن تخصص، کیفیت اثر و شهرت در میان حقوقدانان، لزوماً دکترین یا آموزه خاصی در عرصه حقوق بین‌الملل عمومی یا یکی از حوزه‌های خاص حقوق بین‌الملل ارائه نکرده باشد. در ضمن باید این نکته را نیز در نظر داشت که گاه دکترین از سوی سیاست‌مداران در موضوعات چالش‌برانگیز حقوق بین‌الملل مطرح می‌شوند و هدف آنها ارائه نوعی راهنمایی به دولت خود در حوزه مسائل حقوقی بین‌المللی است مانند دکترین‌های «مونروئه، استرادا، هالشتاین، هارمن، استیمسون، توبار و ویلسون»^۱ (Salmon, 2001: 352).^۲ دکترین را در دو معنای آموزه‌های نویسندگان حقوق بین‌الملل و دیدگاه‌های سیاست‌مداران دولتی در معنایی که گذشت، آورده است (Salmon, 2001: 352).

1. Monroe, Estrada, Hallstein, Harmon, Stimson, Tobar and Wilson.

۲. البته هنگامی که صحبت از مکاتب فلسفی و مبانی حقوق بین‌الملل نیز سخن به میان می‌آید، از اصطلاح دکترین استفاده شده است. برای مثال در دروس آکادمی لاهه نگرش اسلام، بودا، کنفوسیوس و آمریکای لاتین به حقوق بین‌الملل به مثابه دکترین یاد شده است. همچنین از دکترین حقوق طبیعی، پوزیتیویست و مبتنی بر جامعه‌شناسی نسبت به حقوق بین‌الملل صحبت به میان آمده است. در این حالت، دکترین به معنای تلاش دسته‌جمعی برخی از اندیشمندان در یک

شایان ذکر اینکه ارائه‌کننده دکتربین در حقوق بین‌الملل می‌تواند وضعیت‌های مختلفی داشته باشد؛ بدین معنا که ارائه‌کننده برخی دکتربین‌ها در حقوق بین‌الملل معلوم و مشخص است و برخی دیگر مشخص نیست. برخی از دکتربین‌ها از دوران قدیم مانند دوران روم باستان وجود داشته‌اند و امروز همان معنا یا معنای دیگری را در حقوق بین‌الملل کسب کرده‌اند. از این رو، مشخص کردن ارائه‌کننده دکتربین مزبور در این‌گونه موارد معمولاً امکان‌پذیر نیست. برای نمونه اصطلاح *uti possidetis* از حقوق روم اخذ شده و نخستین بار در معنای مفهومی شبیه به قاعده ید نسبت به اموال غیرمنقول به کار می‌رفته است (Nesi, 2018: 1). امروزه این اصل در حقوق بین‌الملل به معنای تغییرناپذیر بودن مرزها پس از دوران استعمار است که در رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه «اختلافات سرزمینی» (بورکینافاسو علیه مالی) تبیین شده است (ICJ Reports 1986: 20 et seq). برخی دیگر از دکتربین‌ها در دوران معاصر به واسطه تحولات اجتماعی جامعه بین‌المللی به وجود آمده‌اند و از قضا ارائه‌کننده دکتربین ذی‌ربط نیز معلوم است. برای نمونه دکتربین کالوو که توسط حقوقدانان آرژانتینی به همین نام، ارائه شد، پس از گذشت بیش از یک قرن از زمان ارائه آن، هنوز هم تجلیاتی در رویه برخی کشورها (اصل ۲۷ قانون اساسی مکزیک) و معاهدات بین‌المللی (حمایت دیپلماتیک در معاهدات سرمایه‌گذاری) دارد (Juillard, 2007: 3, 15). بر اساس این دکتربین، بیگانگان نمی‌توانند از حقوقی برخوردار شوند که اتباع همان کشور از آن برخوردار نیستند.

از حیث منشأ، برخی دکتربین‌های حقوق بین‌الملل از روابط بین‌الملل یا مقامات سیاسی اخذ شده‌اند و منشأ برخی دیگر یک حقوقدان بوده است. برای نمونه دکتربین «استرادا»^۱، وزیر خارجه وقت مکزیک، یا جنگ علیه ترور توسط جرج بوش پسر، رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده، مطرح گردیده‌اند.^۲ دکتربین

زمینه خاص یا نگرش یک مکتب انسانی یا مذهب و یا رویکرد یک منطقه جغرافیایی به حقوق بین‌الملل است. برای مثال ر.ک: Trindade, 2015: 68-76.

1. Estrada

۲. ممکن است در مورد دکتربین «جنگ علیه ترور» این نکته مطرح شود که اصولاً این دکتربین ماهیتی حقوقی ندارد و محتوای آن مغایر با موازین حقوق بین‌الملل است. در عین حال که این نکات صحیح‌اند، اما باید توجه داشت که اگرچه دکتربین جنگ علیه ترور در حقوق بین‌الملل به واسطه عدم حمایت از سوی دولت‌ها جایگاهی کسب نکرده، اما ایالات متحده از این دکتربین برای مقابله با تروریسم استفاده کرده و در تحلیل‌های برخی حقوقدانان آمریکایی مورد استناد واقع شده است. از این رو این دکتربین نیز در زمره مواردی است که از فضای روابط بین‌الملل سعی داشته وارد حقوق بین‌الملل شود و در این عرصه استقرار یابد، اما به لحاظ کسب مرتبه‌ای هنجاری در میان هنجاری‌های حقوق بین‌الملل توفیقی پیدا نکرده است. ضمن اینکه اصولاً منظور از دکتربین در ماده ۳۸ دکتربین حقوقی است. این نکته در تاریخچه مباحث ماده ۳۸ تصریح شده است. ر.ک: Procès-verbaux of the proceedings of the Committee, 1920: 333. با این حال، ممکن است یک دکتربین از فضای روابط بین‌الملل به حقوق بین‌الملل نیز راه پیدا کند، مانند مفهوم مسئولیت حمایت.

قاعده بین‌زمانی (intertemporal law) نیز از سوی حقوقدان سوئیسی، «ماکس هوبر»^۱، مطرح شد (Wheatley, 2021: 484-509).

برخی از دکتربین‌ها نیز امروزه به‌عنوان یک اصل کلی یا قاعده عرفی و یا معاهداتی حقوق بین‌الملل درآمده‌اند و برخی دیگر همچنان جایگاه دکتربین دارند. برای نمونه دکتربین «عمل دولت» در سه معنا مدنظر قرار گرفته است: مصونیت قضایی دولت در محاکم داخلی و خارجی^۲، عدم قابلیت رسیدگی قضایی به اقدامی که بر اساس فرامین دولتی انجام پذیرفته است، و ممنوعیت بازبینی قضایی اقدامات دولت خارجی در محاکم داخلی کشورها (Quadros & John Stone, 2021: 1-2). به‌طور مشخص، مصونیت قضایی دولت امروزه به‌عنوان قاعده عرفی و همچنین، معاهداتی (کنوانسیون ۲۰۰۴ سازمان ملل متحد در مورد مصونیت قضایی دولت و اموال آنها که هنوز لازم‌الاجرا نشده) شناخته می‌شود. درحالی‌که معنای دوم این اصل هنوز در کشورهای نظیر بریتانیا و ایالات متحده در رویه قضایی به‌کار گرفته می‌شود (Alderton, 2011: 4-15).

برخی دکتربین‌ها از حقوق داخلی وارد حقوق بین‌الملل شده‌اند و برخی دیگر نیز بر اساس اقتضائات جامعه بین‌المللی از جانب حقوقدانان بین‌المللی ایجاد شده‌اند. برای نمونه دکتربین دست‌های پاک که گاه در مبحث حمایت دیپلماتیک و گاه به‌عنوان ایراد قابلیت استماع نزد دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح شده (ICJ Reports 2023: 76 et seq)، مفهومی است که از حقوق داخلی کشورهای کامن‌لو وارد حقوق بین‌الملل شده است (www.law.cornell.edu/wex/clean_hands_doctrine). مصونیت دیپلماتیک نیز دکتربینی است که امروزه شکل عرفی و معاهداتی به خود گرفته و بر اساس اقتضای وجود و تسهیل روابط میان کشورها ایجاد شده است.

پرسش شایان توجه در اینجا، آن است که چگونه می‌توان دکتربین یا آموزه‌ها را شناسایی کرد. به‌نظر می‌رسد یکی از راه‌های یافتن آموزه یا دکتربین مراجعه به نهادهایی است که در آنها برجسته‌ترین

1. Hans Max Huber

۲. شاید در بادی امر این نکته به ذهن متبادر شود که با وجود اقامه دعوی علیه دولت‌ها در محاکم داخلی و یا حتی وجود نهادهایی مانند دیوان عدالت اداری در ایران که به بررسی انطباق تصمیمات دستگاه‌های اجرایی کشور با موازین قانونی می‌پردازند، آیا سخن از مصونیت دولت نزد محاکم داخلی امری رواست؟ باید توجه داشت که اصولاً تنها رسیدگی به تصمیمات و اقدامات قوه مجریه در زمان این‌گونه رسیدگی‌ها مطرح بوده است. ضمن اینکه هر گاه علیه هیأت حاکمه دولت در مقام خواننده در دادگاه طرح دعوا شده، این امر منبعت از تجویز قانونگذار بوده است. از طرفی، مطابق دکتربین عمل دولت در نظام‌های حقوقی کامن‌لا که این جنبه از دکتربین عمل دولت نیز برگرفته از این سنت حقوقی است و در این قسمت، مورد بحث ماست، اصولاً دولت‌ها در راستای اتخاذ و اجرای سیاست‌های خارجی خود، مصونیت دارند و محاکم داخلی آنها صلاحیت ارزیابی حقوقی تصمیمات مزبور را نخواهند داشت.

حقوقدانان بین‌المللی برای ارائه دروس علمی یا انجام تحقیقات علمی در بالاترین سطح انتخاب می‌شوند. در اینجا به‌طور خاص به آکادمی حقوق بین‌الملل لاهه و انستیتو حقوق بین‌الملل می‌پردازیم. دلیل انتخاب این دو نهاد آن است که در سطح علمی بدون تردید در زمره بهترین و باکیفیت‌ترین نهادهای علمی - پژوهشی و آموزشی محسوب می‌شوند. نکته مهمی که باید بدان توجه داشت آن است که در این دو نهاد، انتخاب حقوقدانان برجسته بین‌المللی عمدتاً مبتنی بر سوابق علمی و فعالیت متمایز دانشگاهی و پژوهشی ایشان است. توضیح اینکه بر خلاف نهادهای علمی دیگری چون کمیسیون حقوق بین‌الملل که تعداد محدودی از حقوقدانان (۳۴ نفر) در آن حضور دارند و ملاک نهایی انتخاب افراد مبتنی بر لابی‌گری کشور متبوع فرد است، در هیأت مدیره علمی آکادمی حقوق بین‌الملل لاهه و انستیتو حقوق بین‌الملل، ملاک علمی اصلی‌ترین و محوری‌ترین معیار گزینش افراد است و مسائل غیرعلمی مدنظر قرار نمی‌گیرد. از این رو، در این دو نهاد، به‌خصوص انستیتو حقوق بین‌الملل، انتخاب موضوعات جهت مطالعه یا پژوهش مبتنی بر نیازهای روز و تحولات معاصر حقوق بین‌الملل است و از این حیث، سفارشی جهت مطالعه یا عدم مطالعه از سوی کشورهای ذی‌ربط وجود ندارد. از این رو اگرچه ممکن است یک فرد همزمان در کمیسیون حقوق بین‌الملل، انستیتو حقوق بین‌الملل و حتی هیأت مدیره علمی آکادمی حقوق بین‌الملل حضور داشته باشد، اما میزان آزادی عمل و استقلال علمی وی بنابر نحوه انتخاب، متفاوت خواهد بود.

آکادمی حقوق بین‌الملل یک نهاد علمی غیرانتفاعی است که در سال ۱۹۱۴ تأسیس شد^۱ و هدف آن ترویج دانش حقوق بین‌الملل از طریق آموزش و پژوهش است. مقر این نهاد در شهر لاهه است (Statute of the Hague Academy of International Law, Art. 1) و به‌طور مشخص از سال ۱۹۲۳ دوره‌های درسی سالانه را به‌صورت تابستانه ارائه می‌کند. از سال ۲۰۱۹ نیز دوره‌های زمستانه برگزار می‌شود. همچنین برگزاری دوره‌های اختصاصی دیگری در چارچوب مرکز تحقیق و پژوهش این آکادمی و دوره‌های درسی خارج از شهر لاهه و برگزاری رویدادهای علمی در دستور کار این نهاد علمی قرار دارد. یکی از برنامه‌های آکادمی، برگزاری درس‌های عمومی و اختصاصی در هر سال است که با حضور صدها دانشجو و پژوهشگر علاقه‌مند به حقوق بین‌الملل برگزار می‌شوند. برای هر دوره درسی عمومی یا اختصاصی نیز هیأت مدیره علمی آکادمی، مبادرت به انتخاب حقوقدانان ذی‌صلاح می‌کند. بر اساس ماده ۷ اساسنامه آکادمی که در سال ۲۰۱۸ مورد تجدیدنظر قرار گرفته، یکی از وظایف هیأت مدیره علمی، تعیین مشهورترین متخصصان حقوق از اقصی نقاط دنیا برای ارائه دوره‌های درسی، سخنرانی و سمینار است. پرسش قابل طرح در اینجا، آن است که آیا انتخاب مشهورترین حقوقدانان برای ارائه درس عمومی یا اختصاصی حقوق بین‌الملل در آکادمی لاهه می‌تواند به معنای داشتن دکترین یا آموزه خاص از سوی

۱. برای ملاحظه تاریخچه تشکیل این نهاد علمی و ارتباط آن با کشور هلند و شهر لاهه، ر.ک: van Roijen, 1973: 29-43.

حقوقدان ذی‌ربط باشد؟ در سالنامه ۲۰۲۰ این نهاد گفته شده که یکی از مسئولیت‌های هیأت مدیره علمی آکادمی، انتخاب سخنران از میان ذی‌صلاح‌ترین اعضای دانشگاهی، وکلا و مشاوران حقوقی برجسته حقوق بین‌الملل است. ضمن اینکه بنا به تصریح همان سالنامه اعضای هیأت مدیره علمی نیز خود در زمره برجسته‌ترین متخصصان حقوق از مناطق مختلف دنیا هستند^۱ (The Hague Academy of International Law, 2020: 32). طبق ماده ۶ اساسنامه آکادمی، این اعضا توسط هیأت امنای آکادمی تعیین می‌شوند و پس از تعیین تعدادی از آنها، سایر اعضا با انتخاب اعضای هیأت مدیره علمی به مدت شش سال (با امکان یک بار انتخاب برای یک دوره شش‌ساله دیگر) تعیین می‌شوند. متأسفانه اطلاعات خاصی در مورد نحوه انتخاب سخنرانان دروس عمومی و اختصاصی در آکادمی وجود ندارد. با این حال، نگاهی به کارنامه علمی هریک از اعضای هیأت مدیره علمی آکادمی نشان از برجسته بودن حقوقدان ذی‌ربط در عرصه تخصصی وی دارد. ضمن اینکه باید میان انتخاب به‌عنوان عضو هیأت مدیره علمی و ارائه دروس عمومی و اختصاصی نیز تفاوت قائل شد؛ هرچند برخی از اعضای هیأت مدیره علمی نیز دروس عمومی و اختصاصی را ارائه کرده‌اند. با این حال، انتخاب شخصی که قادر به ارائه بحث خاص یا مباحث کلی حقوق بین‌الملل در قالب درس عمومی با تکیه بر یک جنبه یا بینش خاص باشد، نیازمند تأمل در انتخاب است. ارائه سالانه درس‌ها نیز نشان از جایگاه رفیع سخنران و ارائه‌کننده درس دارد.^۲

نگاهی به موضوعات سخنرانی‌ها و آثار منتشرشده توسط آکادمی دست‌کم در دو دهه اخیر، حاکی از دعوت این نهاد از حقوقدانانی است که دارای ویژگی‌های برجسته‌ای هستند، حقوقدانانی مانند رودیگرو ولفروم، روبرت کولب، جمشید ممتاز، الن پله، کاترین کسجیان، تولیو تروس، محمد بنونا، جیمز کرافورد، جورجیو گایا، مایکل رایمن، محمد بجاوی، آنتونیو ترینداد، پی‌یر ماری دوپویی. در زمینه درس عمومی سالانه که باید به‌صورت روزانه و در طول سه هفته ارائه شود، از حقوقدانانی دعوت می‌شود که علاوه بر سابقه و شهرت علمی در زمینه حقوق بین‌الملل، اشراف خود را نسبت به مباحث حقوق بین‌الملل به‌عنوان یک کل نشان داده باشند و قادر به تجزیه و تحلیل مبانی حقوق بین‌الملل از زاویه خاصی باشند.

۱. نگاهی به اسامی اعضای فعلی هیأت امنای این مدعا را تأیید می‌کند: ایو دوده از فرانسه (رئیس)، بیت هیس از سوئیس، محمد بنوا از مراکش، کاترینا بوئل ووئلکی از آلمان، هانا بوکسوم از ایالات متحده، آنتونیو ترینداد از برزیل (در سال ۲۰۲۰ درگذشت)، جمشید ممتاز از ایران (که اخیراً دوره عضویت ایشان در آکادمی به پایان رسید)، هیلاری چارلورث از استرالیا، فرناندز اورویو از آرژانتین، گیودیتا کوردئو موس از نروژ، موریس کامتو از کامرون، یوکو نیشیتانی از ژاپن، ریموند رانجوا از ماداگاسکار، نیکو شیریچور از هلند، لینوس سیسیلیانوس از یونان، پیتر تومکا از اسلواکی و تولیو تروس از ایتالیا. طبق ماده ۶ اساسنامه، اعضا باید حداقل ۷ و حداکثر ۱۹ نفر باشند.

۲. برای مطالعه بیشتر، ر.ک:

نهاد علمی معتبر دیگر انستیتو حقوق بین‌الملل است که به‌عنوان قدیمی‌ترین نهاد علمی مستقل حقوق بین‌الملل در سال ۱۸۷۳ در «خنت»^۱ بلژیک تأسیس شد. طبق ماده ۳ اساسنامه انستیتو متشکل از اعضای افتخاری، اعضای اصلی و اعضای همکار خواهد بود. نکته مهم آن است که تعداد اعضای اصلی و همکار زیر ۸۰ سال نباید از ۱۳۲ نفر بیشتر باشد. طبق ماده ۴ اعضای همکار به کسانی گفته می‌شود که در سه جلسه به‌صورت مؤثر مشارکت داشته‌اند و بر اساس همین مشارکت فعال، به مرتبه عضو اصلی ارتقا پیدا می‌کنند. در توضیح مشارکت فعال در این ماده چنین آمده که عضو همکار باید دست‌کم در نیمی از سه جلسه موردنظر حضور داشته و به‌طور ماهوی در کار مجمع عمومی اعضا یا کمیسیون‌های تخصصی مشارکت داشته باشد. این فعالیت به تأیید دفتر انستیتو خواهد رسید. نکته مهم در این میان نحوه انتخاب اعضای همکار است که در ماده ۵ بدان پرداخته شده است. بر اساس این ماده، انستیتو از میان ملیت‌های مختلف، کسانی را که خدماتی به حقوق بین‌الملل در عرصه نظری یا عملی ارائه کرده‌اند، به‌عنوان عضو همکار انتخاب می‌کند. در این نوع عضویت، شخص ذی‌ربط از حق صحبت و رأی دادن جز در مورد اعضای افتخاری، اعضای دفتر و اعضای شورای بنیاد همکار انستیتو برخوردار خواهد بود. بنابراین، جز در مورد مورد عضویت افتخاری، عضویت اصلی در انستیتو باید از طریق کسب وضعیت عضو همکار آغاز شود و پس از احراز مشارکت فعال در نیمی از سه جلسه انستیتو، به عضویت کامل نائل خواهد شد.

عضویت افتخاری در این نهاد نیز طبق ماده ۷ به اعضای کامل و همکار اعطا می‌شود، به شرطی که وی در زمینه حقوق بین‌الملل خود را به اثبات رسانده و از جایگاه ممتازی برخوردار باشد. این دسته از اعضا نیز از حقوق کامل برخوردار هستند. نکته جالب این است که اعضای کامل و همکار انستیتو طبق ماده ۱۹ باید حق عضویت خود را که مطابق آیین‌نامه تعیین می‌شود پرداخت کنند و به این ترتیب یکی از راه‌های کسب درآمد برای انستیتو جهت انجام فعالیت‌ها، دریافت حق عضویت از اعضاست. مهم‌ترین نکته کارکرد انستیتو است که بر اساس آن می‌توان اهمیت و وزن فعالیت‌های آن را ملاحظه کرد. اقداماتی که تاکنون انجام داده، این نهاد را به یکی از مؤثرترین نهادهای علمی حقوق بین‌الملل تبدیل کرده است. طبق ماده ۱ انستیتو یک نهاد غیررسمی و منحصراً علمی است که برای پیشرفت حقوق بین‌الملل در زمینه‌های زیر فعالیت می‌کند: تلاش برای صورت‌بندی اصول کلی حقوق بین‌الملل، همکاری در زمینه تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل، مشارکت در حفظ صلح یا رعایت حقوق جنگ، مطالعه مشکلاتی که در زمینه تفسیر و اجرای حقوق بین‌الملل وجود دارد.^۲

بررسی مطالعاتی که انستیتو انجام داده و اثرگذاری این تحقیقات بر نهادها و پژوهشگران حقوق

1. Ghent

۲. برای مشاهده متن اساسنامه مؤسسه، ر.ک:

<https://www.idi-iil.org/app/uploads/2017/06/Statutes-of-the-Institute-of-International-Law.pdf>

بین‌الملل نشان‌دهنده جایگاه بی‌بدیل این نهاد علمی است (Rosenne, 1998: 140) که به برخی از مهم‌ترین آنها در سال‌های اخیر اشاره می‌شود: بازبینی اقدامات اجرایی مرتبط با تصمیمات شورای امنیت در زمینه تحریم‌های هدفمند (گزارشگر رودیگر و لفرورم در سال ۲۰۱۷)، اینترنت و حقوق بین‌الملل خصوصی (فاستو پوکار در سال ۲۰۲۱)، محدودیت‌های تفسیر پویای اسناد مؤسس سازمان‌ها در چارچوب سازمان ملل متحد از طریق ارگان‌های داخلی (ماه‌نوش ارسنجانی در سال ۲۰۲۱)، اپیدمی، پاندمی و حقوق بین‌الملل (شینیا موراسه در سال ۲۰۲۱)، اداره سرزمینی توسط ملل متحد و سایر نهادهای بین‌المللی مجاز از سوی سازمان ملل (لینوس سیسیلیانوس در سال ۲۰۲۱).^۱ انستیتو در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم با انجام مطالعات لازم زمینه فکری را برای طرح مباحث در کنفرانس‌های صلح لاهه در ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ و همچنین، کنفرانس تدوین حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۳۰ در دوران جامعه ملل فراهم کرده بود (Macalister-Smith, 2011: 20). هرچند به مرور زمان به‌خصوص پس از تأسیس ملل متحد و ایجاد کمیسیون حقوق بین‌الملل، نقش انستیتو کمرنگ شد، اما نگاهی به فهرست اسامی اعضای انستیتو همپوشانی فراوان آن را با اعضای کمیسیون حقوق بین‌الملل، قضات و داوران مشاوران و وکلای بین‌المللی نشان می‌دهد. از این حیث، برخی نویسندگان معتقدند که اعضای انستیتو در روزگار معاصر این‌گونه به ایفای نقش خود در توسعه حقوق بین‌الملل در قالب ظرفیت شخصی خویش می‌پردازند. با این حال، همان‌طور که اشاره شده، استناد اندکی به مطالعات انستیتو از سوی اعضای آن در مطالعات و تحقیقات شخصی آنها صورت گرفته است (Macalister-Smith, 2011: 26-27).

۵. نتیجه

حقوق به‌طور کلی، برای ایجاد، فهم و انجام اصلاحات به نوشته‌ها و خطابه‌های تحلیلی علمای حقوق نیازمند است. در واقع، نمی‌توان بدون وجود علمای حقوق درک بهتری از قانونگذاری و قاعده‌مندی را متصور شد. در فضای حقوق بین‌الملل نیز این امر قابل مشاهده است. از نظر زمانی، تا هنگامی که هنجارهای حقوق بین‌الملل و وسایل انتشار دیدگاه‌های حقوقدانان در عرصه بین‌المللی شایان توجه نبود، دیدگاه علمای حقوق بسیار حائز اهمیت بودند. رشد سریع شبکه‌های هنجارسازی و استانداردسازی موجب شده تا جایگاه علمای حقوق به‌مثابه ۵۰ سال اول سده بیستم میلادی نباشد. با این حال، امروزه نیز فهم

۱. برای مشاهده قطعه‌نامه‌ها و گزارش‌های مؤسسه، ر.ک:

<https://www.idi-iil.org/en/publications-par-categorie/resolutions/>

برای مشاهده تاریخچه موضوعات مطروحه و اثرگذاری آنها بر توسعه و تدوین حقوق بین‌الملل، ر.ک:

Fitzmaurice, 1973: 225-258.

قواعد مندرج در معاهدات، عرف و اصول کلی بدون مراجعه به تحلیل‌های ارائه‌شده از سوی حقوقدانان موجب از دست رفتن مجالی جهت داشتن تصویری بهتر و گاه درست از مفهوم، چارچوب و زوایای پیدا و پنهان یک قاعده مورد بررسی می‌شود. برای مثال امروزه سنت جالب توجه نگارش شرح بر معاهدات بین‌المللی میان حقوقدانان بین‌المللی موجب شده است تا امر مراجعه به معاهدات مزبور با فهم بسیار بهتری انجام گیرد.

آنچه در این نوشتار بدان پرداختیم تفکیک میان اصطلاحات آموزه‌های برجسته‌ترین حقوقدانان بین‌المللی و دکتربین بود. مشخص شد که این دو مفهوم دارای قلمرو معنایی متفاوتی‌اند و مقدمه تبدیل شدن دیدگاه یک حقوقدان بین‌المللی به دکتربین آن است که از مدخل مقدماتی دیگری تحت عنوان برجسته بودن آن حقوقدان عبور کند. با این حال، شاهد وجود استثنائاتی در این زمینه نیز هستیم، از جمله دکتربین‌هایی که از سوی اشخاص سیاسی مطرح شده‌اند و در روزگار خود دارای اعتبار نیز بوده‌اند. بر همین اساس، اعتبار زمانی دکتربین‌هایی که از سوی حقوقدانان بین‌المللی مطرح شده‌اند، بیشتر و ماندگارتر از دکتربین‌هایی هستند که از سوی اشخاص غیرحقوقی مطرح شده‌اند.

بر اساس رهیافت کمیسیون حقوق بین‌الملل و نکاتی که در این نوشتار بدان پرداخته شد، می‌توان معیارهای زیر را برای ارزیابی ویژگی برجسته بودن عالم حقوق بین‌الملل یا داشتن دکتربین مدنظر قرار داد:

۱. ارائه دیدگاه‌های علمی از طریق انتشار کتاب‌ها و مقالات به زبان‌های علمی حقوقی بین‌المللی روز؛
۲. طرح دیدگاه‌های نو و بدیع و یا ارائه راه‌حل برای چالش‌های حقوقی بین‌المللی؛
۳. پذیرش یا جلب توجه جامعه حقوقی بین‌المللی، از جمله حقوقدانان، دولت‌ها و سایر موجودیت‌ها، به دیدگاه ابرازشده از سوی حقوقدان بین‌المللی؛
۴. حضور در انجمن‌ها و محافل حقوقی بین‌المللی از طریق عضویت، ارائه چکیده یا مقاله در رویدادهای علمی، مشارکت به‌عنوان سخنران یا حضور به‌صورت مستمع فعال، شرکت در دوره‌های آموزشی حقوقی بین‌المللی معتبر داخلی و بین‌المللی؛
۵. عضویت و ارائه سخنرانی در نهادهای علمی مهم حقوقی بین‌المللی از جمله انستیتوی حقوق بین‌الملل، انجمن حقوق بین‌الملل و آکادمی حقوق بین‌الملل.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۸). *حقوق بین‌الملل عمومی*، چ شصت و پنجم، تهران: گنج دانش.

ب) مقالات

۲. رنجبریان، امیرحسین و کمالی‌نژاد، حسن (۱۳۹۲). آموزه‌های حقوق‌دانان بین‌المللی برجسته. *مطالعات حقوق تطبیقی*، ۴، ۳۷-۵۶.
۳. مکرمی قرطاول، یاسر و رنجبریان، امیرحسین (۱۳۹۶). نقض حریم هوایی کشورها از طریق پهپادهای آمریکایی (مطالعه موردی: پاکستان). *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، ۴۷، ۳۰۳-۳۲۸.

۲. انگلیسی

A) Books

4. Crawford, J. (2012). *Brownlie's Principles of Public International Law*. 8th ed., Oxford: Oxford University Press.
5. Helmersen, S. T. (2021). *The Application of Teachings by the International Court of Justice*. Cambridge University Press.
6. Melzer, N. (2009). *Targeted Killing in International Law*. Oxford: Oxford University Press.
7. Salmon, J. (2001). *Dictionnaire de Droit International Public*. Brussels: Bruylant.
8. Shaw, M. (2017). *International Law*. 8th ed., Cambridge: Cambridge University Press.
9. Rosenne, S. (1998). *Making International Law Better: The International Law Commission at 50*. United Nations Publication.
10. Thirlway, H. (2019). *The Sources of International Law*. 2th ed., Oxford: Oxford University Press.

B) Articles

11. Alderton, M. (2011). The Act of State Doctrine: From Underhill to Habib. *Melbourne Journal of International Law*, 12, 1-26.
12. Damrosch, L. (2000). Scholars in the Construction and Critique of International Law. *Proceedings of the Annual Meeting (American Society of International Law)*, 94, 317-320.
13. Fitzmaurice, G. (1973). The Contribution of the Institute of International Law to the Development of International Law. *Collected Courses of the Hague Academy of International Law*, 138, 203-260.
14. Helmersen, S. T. (2019). Finding 'the Most Highly Qualified Publicists' - Lessons from the International Court of Justice. *European Journal of International Law*, 30, 509-535.
15. Helmersen, S. T. (2020). The Application of Teachings by the International Tribunal for the Law of the Sea. *Journal of International Dispute Settlement*, 11, 20-46.
16. Jain, N. (2020). Teachings of Publicists and the Reinvention of the Sources Doctrine in International Criminal Law. in, Kevin Heller et al (eds.), *The Oxford Handbook of International Criminal Law*, Oxford: Oxford University Press, 107-126.
17. Juillard, P. (2007). Calvo Doctrine. *Max Planck Encyclopedias of International Law*, Online Version, 1-30.
18. Koskeniemi, M. (2007). International Legal Theory and Doctrine. *Max Planck Encyclopedia of Public International Law*, Online Version, 1-33.
19. Macalister-Smith P. (2011). Institut de droit international. *Max Planck Encyclopedia of Public International Law*, Online Version, 1-29.

20. Maier, H. (2000). Scholars in the Construction and Critique of International Law. *Proceedings of the Annual Meeting (American Society of International Law)*, 94, 317-320.
21. Nesi, G. (2018). Uti Possidetis Doctrine. *Max Planck Encyclopedias of International Law*, Online Version, 1-23.
22. Papaux, A., & Wyler, E. (2017). Legal Theory as a Source of International Law: Doctrine as Constitutive of International Law, in, Jean d'Aspermont and Samantha Besson (eds.). *The Oxford Handbook of Sources of International Law*, Oxford: Oxford University Press.
23. Pellet, A. and Daniel Müller (2019). Article 38, in, Andreas Zimmerman et la, (eds.). *The Statute of the International Court of Justice: A Commentary*, 2th ed., Oxford: Oxford University Press, 820-962.
24. Quadros, F., & Dingfelder Stone, J. H. (2021). Act of State Doctrine. *Max Planck Encyclopedias of International Law*, Online Version, 1-17.
25. Simma, B. (2000). Scholars in the Construction and Critique of International Law. *Proceedings of the Annual Meeting (American Society of International Law)*, 94, 317-320.
26. Sivakumaran, S. (2017). The Influence of Teachings of Publicists on the Development of International Law. *International and Comparative Law Quarterly*, 66, 1-37.
27. Stephens, B. (2000). Scholars in the Construction and Critique of International Law. *Proceedings of the Annual Meeting (American Society of International Law)*, 94, 317-320.
28. van Roijen, J. H (1973). Holland and the Hague Academy of International Law. *Collected Courses of the Hague Academy of International Law*, 138, 27-43.
29. Wheatley, S. (2021). Revisiting the Doctrine of Intertemporal Law. *Oxford Journal of Legal Studies*, 41, 484-509.
30. Wood, M. (2017). Teachings of the Most Highly Qualified Publicists. *Max Planck Encyclopedia of Public International Law*, Online Version, 1-19.

C) Cases

31. Certain Iranian Assets (Islamic Republic of Iran v. United States of America), ICJ Reports 2023.
32. Frontier Dispute (Burkina Faso/ Republic of Mali), ICJ Reports 1986.
33. The Prosecutor v. Kaing Guek Eav alias Duch, 001/18-07-2007/ECCC/TC, Extraordinary Chambers in the Courts of Cambodia, 2010.
34. The Prosecutor v. Thomas Lubanga Dyilo, ICC-01//04/-01/06, Trial Chamber I, 2012.

D) Documents and Reports:

35. Draft Conclusions on Identification of Customary International Law with Commentaries, 2018, at: https://legal.un.org/ilc/texts/1_13.shtml
36. First report on subsidiary means for the determination of rules of international law, Charles Chernor Jalloh, Special Rapporteur, 2023.
37. <https://www.hagueacademy.nl/publications/?term=&author=&cat=collected-courses>
38. <https://www.idi-iil.org/app/uploads/2017/06/Statutes-of-the-Institute-of-International-Law.pdf>
39. <https://www.idi-iil.org/en/publications-par-categorie/resolutions/>
40. https://www.law.cornell.edu/wex/clean_hands_doctrine

-
41. Sixth Committee, Summary record of the 16th meeting, A/C.6/76/SR.16, 2021.
 42. Statute of the Hague Academy of International Law, at: <https://www.hagueacademy.nl/statutes/>
 43. Subsidiary means for the determination of rules of international law, Titles and texts of draft conclusions 1 to 3 provisionally adopted by the Drafting Committee, 2023, at: https://legal.un.org/docs/?path=../ilc/documentation/english/statements/2023_dc_chair_statement_sm.pdf&lang=E
 44. The Hague Academy of International Law, 2020 Annual Report, at: https://www.hagueacademy.nl/wp-content/uploads/THA-annual-report2020_EN-1.pdf